بايد خاطرات بيماري راهمه جاگفت





ایران که یکی از مدیران موس نهادغير دولتى وظيفه خودمى دانيم تادر راستاى حقوق بخش پاتولوژی بیمار ستان خصوصی خبود را متقاع ، یماران سرطان پستان و ارتقای نظام ، . ساخت تاباخریددستگاه ارزیابی سریع نمونه های کوچک پاتولوژی جواب نمونه های ســوزن کلفت را در عرض ۲۴ راً شروع می کنیم و مطمئن هستیم که مورد حمایت وزارت بهداشت قرار خواهیم گرفت.اگر وزارت بهداشت مُانَند برنامه هایی که در زمینه دیابت و واکسیناسیون اجرامی کندعمل می کردو ضرورت تشکیل واحدهای تخصصی پستان را از بالادیکته می کرد، این کار خیلی راحت تر گسترش مي يافت. حالا كه اين كار هنوز انجام نَشده اسَـت دُو راه وجود دارد. یا باید وزارتُ بهداُشتر مجاب کرد که این کار را انجام دهد یا به صورت داوطلب ین شبکه را خودمان راهاندازی کنیم، ما راهکار را به مراکز نشان مُیدهَیم و مُراکزی که میخواه[َ] شوندرا تجهیز می کنیم. ما در کشور ۴۴ دانشگاه پزشكى داريموم عتقديم كهبايد حداقل بههمين تعداد، مراكز مجهز تخصصي يستان وجودداشته باشد

در تُعریفُجهانی مرکز تخصُصی پستان آمدهاست که به ازای هر ۲۵۰هزار نفر باید یک واحد تخصصی وجود ر کرد. داشته باشد، یعنی در تهران با ۸میلیون جمعیت باید حداقل ۳۲ مر کز تخصمی پستان وجود داشته باشد. هرم کزمی بایست مسئولیت تشخیص و درمان حداقل ۵۱ مورد جدید سرطان پستان را به عهده داشته باشد. یک سری مشکلات در تجربه های قبلی شبکه ها ید سری سدت. مثلامشکل مدیریتی، هر وجود داشته است. مثلامشکل مدیریتی، هر مرکزی میخواهد خودش مدیریت شبکه را برعهده بگیرد. برای مشکلاتی را از این دست شما چەراھكارىدارىد؟

مایک امتیاز نسبت به دیگر مراکز داریم و این امتیاز قدرت آموزش مااست که دیگر مراکّــز ندارند به همین خاطر ما اصرار داریم که هرچــه زودتر بخش آموزش هم راهاندازي كنسج

رک به طــور مثال در بیمارســتان مهدیه ما تنهــا با کم تکنولوژی مواجه هستیم، نیروی انسانی تربیت شده و مکان مناسب موجود است فقط کمبود تکنولوژی وجود دارد که این کمبود هم نیساز به بودجه دارد. در دیگر مراکز بودُجه وجُوددار دُنيروی آنسانی تُربيت شُده وجُودندار دُ. درحال حاضر در دانشگاهها بحث آموزش در اين زمين وجودندار د که باید روی آن بهطور جدی کار شــود. هدف

اگر بخواهیــم به صــورت خلاصه برنامه شــما را بگوییُم به این شکل می شود: اول تجهیز مهدیه، بعد راهاندازی مرکز آموزش و در آخر ایجاد شبکه،

ر بله. ما ابتدا قصد داريم يک الگو مثل بيمارستان مهديه ایجاد کنیم. بعد با توجه به این الگو دیگر مراکز را تجهیز کنیم و آموزش دهیم. اگر بیمارستان مهدیه بشود مرکزی بااستانداردهای جهانی می شودالگویی که بایددیگر مراکز به سمتش بروند. تنهامشکل مهدیه بود جهاست.

به علت محدودیت شـدید مالی و نبـود وام راهاندازی ۔ رک این مراکز بابیمہ کار نمی کردند به علاوہ لیست انتظار بیمار طولائی بود. موسسہ سرطان پستان ما را متعہد می کرد تا دُر زمانُ راهاندازی موسّسه با قـرارداد بیمه کار کنیم در حالی که به مدت سه سال قرار دادبیمه هم نداشتیم یعنی ۲۵درصدهزینههارااز جیب خودمان پرداخت می کردیم ازمریضی که مراجعه می کرددفتر چه بیمه نمی خواستی چون قراردادنداشتیماماهزینه رابانرخ بیمهمی گرفتیم. اقدام دیگر راهاندازی سیستم اورژانس برای تصویربرداری و نُمُونهبرداری در موارد مشُکُوک بُود. قُبل از این بیمار بایداز چند روز تا چند هفته صبر می کرد تا ر یں ... ر بی رزر پر سید نمونه برداری انجام شده در حواب پاتولوژی هم چند هفته طول می کشید. در سیســـتم ما در موسسه تصویربرداری سلامت زنان به محض مراجعه مورد مشكوك بهطور . اورژانس تصویربسرداری و نمونهبرداری انجام میشسود دکتر مریم کدیور، استاد باتولوژی دانشگاه علوم بزشکی

همكار است واين فشار كار زيادي رابه اين همكار تحميل می کنند اما این کار برای بیمار فوق العاده است. تصورش را کنید در عرض ۲۴ساعت تکلیف بیمار مشخص می شود. گر ضایعه خوش خیم باشد نیازی به جراحی نخواهد بود و ر بر ر ت ۱۳۰۰ می تواند به سرعت درمان اگر ضایعه سرطانی باشد بیمار می تواند به سرعت درمان را شــروع کند. نکته دیگر در راســتای حقــوق بیمار این اُستُ كه بااثبات سرطانُ قبلُ از شسروع درمانَ اكر بيمار خواهد می تواند با این جواب پاتولوژی با پزشکان دیگر مشاوره کندُ و درنهایت با آگاهی کامل، پزشک و گروه درمان خود را انتخاب کند. این سرعت در جواب حتی در مقًايسه با استاندار دهای جهانی هم بی نظیر است. یکی از ستان زمانی که مااین مرکز راراهاندازی کردیم می گفت ديگر مراكز مي آينداز شـما تقليد مي كنند من اشكالي م که مراکز دیگــر از یک مرکز نمونه تقلید کنند. این کاردرنهایت به نفع بیماران است.

مامی خواستیم نشان دهیم می شود مرکز دیجیتال داشت و با بیمه هم قرار داد بست، این کار در فضای رقابتی دیگران را هم تشویق می کند تا از تکنولوژی بر تر استفاده کنند. اما ر ۱۲۰۰۰ رسی کی دیگری هم وجود دارد. در کشور ما، شما چه باسیستم میلیار دی دیجیتال کار کنید و چه بادستگاههای معمولی ماموگرافی تعرفه خدمات یکی اُست و این تعرفه بسیار کمتر از تعرفه در کشــورهای دیگر است. دستگاهها در کشور مابه علت تحریم گرانتر از کشورهای دیگر به ر مسورت به می برد. فروش می رسند دولت هیچ تسهیلاتی هم برای خریداین دستگاههانمی دهید، حتی وام هم نمی دهند و اگر هم بتوان وامی گرفت بهره آن بسیار بالاست که در مجموع باز هم بار هزینه مراکز را سنگین تر می کنند. در این شرایط و بااین هزينههاى بالاو يكساني تعرفه سيستم ديجيتال باسب

ریت این است. این است که مراکز تصویربرداری پستان مشکل دیگر این است که مراکز تصویربرداری پستان از رادیولــوژی معمولی جدا نیســـتند و لازمه تأســیس رادیولوژی داشتن دستگاهماموگرافیاست.بهعلت آگاهی ت به ضرورت انجام غربالگری سرطان پستان با پیپی هست به صرورد ۱۰۰۰ مربه طری سرسان پستان به ماری سرسان مامو گرافی و نبود برنامه ملی غربالگری در اکثر موسسات رادیولوژی، تقاضای مامو گرافی بسیار اندکاست، لذاصر ف بن هزینهای هیچ توجیه اقتصادی ندارد. همان گونه چىيىن دىرىــــى ر . . . كە قبلااشارە شـــد با تعرفە فعلى انجام ماموگرافى مقرون به صرفه نیست مگر در مراکزی که حداقل ۱۰۰۰ مورد ماموگرافی در ماه انجام دهند که چنین مراکزی در ایران با این حجم بالای کار اگر هم وجود داشـــته باشند، ب

عدم آگاهی روی میزان تقاضاهم تأثیر می گذارد، مثــلازمانی که مــردم در مور د دســتگاه دیجیتال اطلاع ندارند تقاضایی هموجودندارد. عمق عدم آگاهـــی در این رابطــه از ایـــن چیزها فراتر

استرشرعلت اصلى عدم أكاهى مردم از فقدان آكاهي در سیستم ُبهداشتی و پزشـکان مااسَت. فَبل از تأسیس موسسه رادیولوژی ســلامت زنان بارها شده بود که بیمار با توده رمشکوک به سرطان پاحتی بیمار درمان شده ر ...ر رازان انجـــام ماموگرافی منصـــرف می کردند. هنوز بیمــار را از انجـــام ماموگرافی منصـــرف می کردند. هنوز خیلی از پزشکان به جای ماموگرافی غربالگری برای بیمار سونوگرافٰی توصیه می کنند و به بیمار القا می کنند چون اشعه دستگاه مضر است ماموگرافی درخواست نمی کنم. این در شرایطی است که کل اشعه جهار کلیشه ماموگرافی یات به اندازه میزان اشعهای است که ما در یک پرواز یک ، . ر یرن تهران،مشهددریافتمیکنیموبیشازچنددههاستکه راگری بالستفاده از ماموگرافی به عنوان روش استاندار د تشخیص زودرس سرطان پستان شناخته شده و تأثیر آن در کاهش مرگومیر سرطان پستان ثابت شدهاست. این باورهای غُلطُ باید اصالاح شـود. فلسـفه وجودی همين|ست.

. در آخر من از همه تقاضا دارم که مبارزه در جهت کنترل ین سرطان را جدی گرفته و وظیفه خود بدانند. من به مّت زنسًان آیرانسی و کلُ خانوادههای ایرانسی در ار تقای داشت ایمان دارم. قبل از انقلاب زمانی که سپاه بهداشت در ایران تعریف شد تا وضع بهداشت روستاها بهتر شود ، یادداریم که به علت عدم فرهنگ سازی روستاییان با این ســپاه همکاری نمی کردند. بنا به سنت رُ ساز آمپول آنان از تزریق واکسن کزاز در جراحات حین گار وحشت داشتند و سربازانی که به عنوان سپاه بهداشت ت ســربازی خود را می گذراندند مجبور بودند برای تزریق واکسن کزار دنبال کشاورزان زخمی شده بدوند تاهر کجا که آنان را گیر انداختند آمپول کزاز را برایشان تزریق نرُ نُقاط دور افتاده توسط وزاُرتُ بهداشت باَعَث شد تا اگر إبط بهداشتی به موقع جهت تزریق واکسن مراجعه نکند، زن روستایی مادر برف و سرما کیلومترها با کودک خود در بغل پُیاده بیاید تا دُر مر کز بهداشتُ واکسن دریافت کند. پن معجزه ارتقای آگاهی و حذف باورهای غلط اســـــــــما افتخار می کنیم که به لحاظ پوشــش واکسیناسیون در منطقه اول هستیم و مطمئن هستیم در صورت حمایت وزارت بهداشت با افزایش آگاهی کل جامعه و بهویژه زنان ه اُخُتصاص میدهید، تشکر میکنیم. شما سفیر

در کنترل سرطان پستان عمل می کنید

فرهنگسسراها، کمیته امداد و بیمارسستانها برای

مر کُزی کُمیته پشتیبانی و مُسـئول روابط عُمومی موسسه هستم. پیگیری کارهای موسسه بهویژه در

موسسه مستم پیدیری در دی ار تباط بــاارگانهای دولتی به عهده من است، من تا جواب مثبت به نفع بیماران نگیرم کوتاه نمی آیج علاومبر این ما با بیماراتی که مبتلا هسستند ارتباط

برقراً رمی کنیم، هم به صورت تلفنی و هم حضوری و به سوالات بیماران در مراحل مختلف درمان پاسخ

هم هستم دعوت اکثر بیماران برای همایش ۴۰۰ نفره یارسال به عهده من بود وامسال قرار است این

نفره پارســـال به عهده من بود وامسال قرار است این کار را برای یک همایش ۱۵۰۰ نفره در اجلاس سران

مبسمیم. چه تفاوتی بین زمانی که شما مبتلا شدید و بیمارانی که حالابا آنهادر ار تباط هستید، وجود

ر در خانواده من مادرم و داییام به سرطان پس

در حنوده می معرم و دییم به سرطان پیستان مبتلابودند بنابراین من بااین بیماری آشنایی داشتم. راستش در کلاس دکتر جولایی نحوه ارزیابی میزان خطر در هر فرد را متناسب با سابقه خانوادگی به ما

اَموزشُ دادَه بُود ُو من متوجه شــده بـــودُم که با این سابقه درخشان نسبت به افراد عادی احتمال ابتلای

بیشتری را دارم و باید تحت نظر باشم اما انگار یادم

رفت مَنزَمانُ بيماري م كسي راكنار منداشتم. خُودم

به تنهایی به بیمارســتان میرفتم و مراحل سخت بیماری را پشت سر می گذاشتم و با مشکلات روحی

بیسری رئیست سر می تعسیم و به مستمرت روحی و روانی بسیاری مواجه بودم بعد از بهبود و مشاهده مشکلات تصمیم گرفتم به هر کسی که نیاز داشته باشد کمک کنم. در مقایسه با زمانی که خودم بیمار

بودم،بيماراني كهمابيماران بهبوديافته حمايتشار

ے کنیموضع بسیار بہتری دارند، امید بیشتری دارند

سی سیجورسیسیاریهوری درمان کنارمی آیند. وراحت تر بابیماری ومراحل درمان کنارمی آیند. من در زمان بیماری تنها شوهر و فرزندانم را کنارم داشتم و به دلیل این که در زمان کارآموزی در مورد

مواردابتلابه سرطان پستان صحبت می کردم روحیه خانوادهام بسیار بهتر بود. فرزندانم که سس کمی داشتند زمانی که مبتلا شدم به من می گفتند تو

که می گفتگی این بیماران به راحتی درمان می شوند پس چرا گریه می کنی ؟ خانواده من آگاهی داشتند.

ئوهرمدر همه مراحل سماری امدر کنار مبوداز زمان

ے۔۔۔ من مسئول دعوت بیمار ان پر ای پر نامہ ہای مو

موزش ارتباط دارم. من به عنوان داوطلب: موزش

شوهرم به خواســتگاری بروم، او که قادر نبود جلوی این رفتار غیرانســانی خانــوادهاش را بگیرد، بــاانجام واز کتومی خــود را عقیم کرد سابهم ور عومی صودر اسیم درد من که به علت شیمی درمانی دیگر نستم بچهدار شوم همراهی کند و هم تگاری ها را متوقف کند او با این کار تا هم با من كه به علتُ شـ آرامش عمیقی را برایم به ارمغان اور د تابهتر بتوانم با بیماری مقابله کنم. خیلی زود پستان

بعداز بيمارى من دوباره درس خواندم و . دریس کــردم و خیلی کارهــای دیگر انجام نادم.من خودم را یــک زن موفق میدانم. هم به عنوان مادر خودم را موفق می دانم هم از ب حون سار موجار الرفيق على المام لحاظ اجتماعى موفق هستتم. در مرحله او شيمى درمانى به خاطر خواستگارى هابه جاي رسيدم كه نااميد شدم و تسليم بيمارى و ل و در مرحله اول ...ی رسی، حصوصوستدری هابه جایی رسیدم که ناامید شده و تسلیم بیماری و لذا دو جلسه آخر شیمی درمانی ام را انجام ندادم. دو کنار همه این مشکلات ما مجبور شدیم به خاطر هزینههای درمان خانهمان رایفروشیم. در آن زمان مراکز تخصصی بستان در سیستم دولتی وجود نداشت و حرف و حدیث در رابطه عوسی و جوت نناست و حرت و حدیث در مراکز با مراکز دولتی زیاد بــود. می گفتند در مراکز دولتی دســتیاران عمل می کننـــد و نه خود جراح و کیفیت داروها و خدمات خوب نیست. جرع و پیهیت دارد. من مثل بسیاری افراد سرطان شوخی ندارد. من مثل بسیاری افراد دیگر از وحشت عدم دریافت کامل درمان وعود بیماری تصمیم گرفتم تاخانهمان را بغروشیمو

زمان بیماری من از بیمارستان مهدیه اطلاع ر کی۔۔۔ نداشــتم اما حالا خوب میدانــم که مراکزی مثل مهدیه وجــود دارد که درمــان را کامل نجام می دهند حتی برای کسانی که مشکل --- عی احداد حمی بردی تصدی ته هستان مالی دارند از داروهایی کسه آن جا باقی مانده است، استفاده می کنند، مشکلات مالی باعث شد که فکر کنم همه چیز را از همسرم گرفته و حالا دارم مالش را هم از بین می برم و همین و معرد المعتشد كه ديگر شيمي درماني را ادامه ندهم. بعد از ۶ ماه در پســتان مقابل مبتلا به سرطان شدم الان كه آگاه شدهام فكر مي كنم شايداز ابتدا سرطان من دوطرفه بودوبه علت عدمبررسی درست پزشکان موجه نشدند. عدمباین که در رابطه با ماموگرافی تشخیصی من می گفتند چون سخم زیر ۳۰سال است بایداد اتحاد شده ۲۰۰۰ س می معند چون مستم ریز است نباید انجام شود. من در موسسه یاد گرفتم که اگرچه سن شروع غربالگری ۴ سالگی استاما در صورت شک به سرطان، جراح مجاز است در صورت شک به سرطان، جراح مجاز است در هر سنی ماموگرافی تشـخیصی را تجویز کند.مشکل فقط اینجاست که در افراد جوان به علت تراکم بالای پستانهادقتُ تشُخیصی مامو گرافی کمتر است و درست همین جاست سوم برخی مصر ساو بر ماموگرافی معمولی که ماموگرافی دیجیتال بر ماموگرافی معمولی ارجحیت دارد. درصورتی که وجود ســرطان اثبات شده باشــد، انجام ماموگرافی دوطرفه بست گرافی دوطرفه پستان و زیربغل برای کشف سرطان چند کانونی، وجود غده لنفاوی مشکو ک زیر بغل و درگیری در پستان مقابل

قبل از اقدام به درمان الزامي است. بعد از تحمل دوران سخت شیمی درمانی، در گیری پستان مقابل و تکرار همه مراحل واقعا

اما حالا كه درمان شدهام، آمدهام این جا تا ساعی که مثل آنموقع من فکر می کنند بگویــم هیچچـــز ارزش زندگــی را نــدارد، سلامتی واقعا مانند تاج نامریي است. تا وقتی سارمنی و است منده با به نظریی است د وعنی سالم هستیم این تاج و ارزش آن را نمی دانیم. اما به محض آن که از سر ما پایین می آید، تازه می فهمیم تا چه حد بالرزش است. وقتی بیمار می شویم برای باز گشت به سلامتی می بایست تاوان پر داخت کنیم زیرا هیچچیزی باارزش تر از زندهمانــدن برای همراهی بــا بچههایمان نیست. بیمارانی که الان مارا می بینند مراحل سه بیست بیشترین ناامیدی اینچنینی را تجربه نمی کنند. همین امروز در مهدیه ما یک بیمار داشتیم که برای نخستین بار شیمی درمانی می شد بعد از تزریق شروع کرد به گریه کردن ما کنار او رفتیم و من داستان خواستگاری های خانواده شیوهرم را برایش تعریف کردم و همه با هم فنديديم حداقل كارى كهما توانستيم بكنيم این بود که اشکش را به خنده و ترسش را به یں ہوت تا مستقبل رہا ہے۔ امید تبدیل کردیم، من افتخار می کنم که در گروهی هستم که همه با هم می توانیم ترس و ناميدى از سرطان رابه عشق واميدبه بهبودى

بدین صبح. باورهای غلط در ما به عنوان جزیی از جامعه ر ر کی در کنتـرل این بیماری است. ۱۷سـال پیش که من مبتلاشــدم این بلور وجود داشت که ســرطان مسری است من و وجود داشت که سـر طان مسری است، من و دیگران فکر می کردیم چون پدر من مبتلا په سرطان بوده و مرا بغل کرده و بوسیده من از اوسرطان گرفته امر رتیجه من تمی گذاشتم پسرم به من نزدیک شود و مرا بوسید همین نا آگاهر باعث شد که ... ۱ ماداد پسرام به عن مرتبط سور و مرتبر بود نااگاهی باعث شد که پسرم بامشکلات روحی مواجه شود من پسر سه ساله ام را که خودش هنگام شیرخوردن توده مرا کشف کرده بود، ناگهان از شیر گرفته بودم و به جای در آغوش عهان رسیر مرحه برجارچه بدی مردم. پسر گرفتنسش، او را از خودم دور می کردم. پسر من تغییر در جسم و قطع عضو دوطرفه را میدید که برایش در سنی که به این عضو برای تغذيه ورشدنيازمند بود،بسيار عجيب بود من ۱۸ کیلو لاغر شده و در اثر شیمی درمانی بودم واوچیزی نمی فهم جزاین که مسن او را از خسودم دور می کردم و

باداوطلبان

دليل وجود داوطلبان درمان يافته درتيم درماني

خوشبختانه الآن شرایط بهتر است. این برخوردها کمتر است و گاهی اصلا وجودندارد. بهنظرم بايد به خانمها بيشتر توجه كنند بسيار نوشگالیم که در کتاب تعرفه جُدید نظام سلامت «بازسازی پستان» از لیست اعمال زیبایی درمان سرطان پستان محسوب شده و تحت پوشش ر بیمههای دولتــی و خصوصی اســت. زمانی که من قدام به بازسازی کردم مجبور بودم همه هزینهها را بەعنوان عمل زيبايى خودم پرداخت كنيم و هيچكدامُ از بيمەھاي دولتى و خصوصى چيزى بەمن پرداخت مىكند به همين علت است كه مـــا مُعتقد

ت بن بهعنوان کارمند مرکز بهداشـت، کلاسهای

مشکلات تانهنگام در مان چهبود؟ بیشتر مشکلات مالی داشته از آنجا که سلول های بستر مكارات الى الشهر أراقا كالسال والفاق سرطال من البرنده هرسيتين اراقائنده محبور سوده إلى خواكرين أعوديه معندي يكسال محب هندي بكرا أميول 20 ميليني هرسيتين المصرف في المسالة الكريد قارم جر خوالدي كه وقوى كالمب براهائند كه يم خوالسابها المهار الكريزويهما براهائند كه يم خوالسابها المهار الكريزويهما نيستيد هومان شيك الخواجيد وروس كه ليسته يعام من طاق كميزنده هرسيتين تارد قاليسته ياجو برا الكست بيستري دارو نحويري همانيان الماشتان به الساب ان حديدها اساب و مدانيا عود همانيان المسالة الماده المسابق المسالة المادة المسابقة المسابقة المسابقة المادة المسابقة المادة المسابقة المسابقة المسابقة المسابقة المسابقة المسابقة المادة المسابقة المسابقة المادة المسابقة المادة المسابقة المادة المسابقة المسابقة المسابقة المسابقة المادة المسابقة المادة المسابقة ا «درمان استاندارد» است. این برخور دها برایم خیلی سخت بود. توجه نداشتند زمانی که مادر یک خانواده مریض شود تمام آن خانواده فلج می شوند.

خارج شده و تحت پوشش بیمه قرار گرفته است. در کشــورهای غربی از ســال ۱۹۹۹ میلادی یعنی ۱۶ سال قبل بازسازی وقرینهسازی پستان مقابل جزو نگردند. در آن زمان این عمل زیبایی محسوب می شد. برای بیماری که جهت درمان سرطان پستان تحت تخلیه پستان قرار گرفته بازسازی جزیی از درمان است تا تاثیرات منفی در مان سرطان را جبران سازد. دقت کنیم که تخلیه پستان تأثیر منفی زیادی بهروی روابط زناشویی دارد بنابراین معضل سرطان پستان فقط مشکل بیمار نیست بلکه همسر او را هم در گیر می تبند به مهین عنت است ته می معتقدیم ته سرطان پستان معضل کل خانواده است وبرای کنترل آن همه چه مردو چه زن باید بسیج شوند

فعاليتهايتان بهعنوان داوطلب چه تأثيري در زندگیتان داشته است؟



درچه سالی سماری شمار ا تشخیص دادند و دوره در مان تان چقدر بود؟ پرستی ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ جلسه کار آموزی ام را در کل ئلاس تئورى اوليه متوجه شدم باتوجهبه ابتلاى

ودیافته در تیم درمانگ را مطرح کردند با مُن ماس گرفتند و من از همان سال به طور مستمر در



ساعت آماده کند البته این کار بسیار مشکل است چون

ىسئوليت جوابگويىنمونەھاىسوزنى پستان بەعھدەاين

انیلوفررجایی پور |کارشناسمامایی| ا۴۸ساله|

الفبای بر خــورد با بیماری های پســتان» که ر ســال ۱۳۸۵ بهطور مکرر توسط دکتر جولایی برای ماماها و پزشکان شبکهای بهداشت دانشگاه عُلُومِ يِزشكي شُهُيد بِهِشتي بِرِ گزار مي شد، شركت بیمارستان مهدیه با دکتر جولایی گذراندم تا با مشارکت در ویزیت حداقل ۱۶۰ بیمار نحوه برخورد با بیماران مبتلا به سرطان را فرا گیسرم، به دنبال دایی و مادرم به سرطان پستان پرخطر محسوب می شـوم و حتی ضروری اسـت که تست ژنتیک را اتجام دهم. از ســال ۸۸ پیش خانم دکتر پرونده ر ۱۳۰۱ میل بر سیار سیار کید داشتم و یک سال بعد خودم سرطان را تشخیص دادم. وقتی توده را تشخیص دادم به خانم دکتر مراجعه کردم و خیلی سسریع مراحل قبل از عمل طی شد و در فاصله پنج روز برای من تخلیه پستان نجام شـد. تا مردادماه سـال ۹۰ شــیمی درمان<u>ی</u> ۔۔۔ بی شدم و الان هــم قرصهای هورمونــی برای جلوگیری از بازگشت بیماری مصرف می کنم. ســال ۹۲ خانــم دکتــر ایــده وجود بیمــاران

به فعالیت می کنی.



وشينمليحي

۵۰ســال دارم. در ۳۳ ســالگی و زمــان شــیردهی به پســر دومم مبتلا شــدم والان درست ۱۷سال است که از زمان مبتلا شدنم می گذرد. برای ماموریتی به همراه همسر و دو فرزندم به شمال رفته بودیم، آن جاخیلی اتفاقی یکی از دوستانم را که مبتلا شده بود دیدم، آن زمان آمار مبتلایان بسیار پایین بود میسه روزش متر میسیدن پیش بود و سرطان پستان خیلی شایع و شناخته شده نبود. تصور من از شهمی درمانی این بود که فرد را داخل دستگاه می گذارند و نمی دانستم فرد راداخل دستگاه می گذارند و نمی دانستم شیمی درمانی به صورت تزریــق داخل رگ است. زمانی که دوســتم را دیدم برایم درمورد بیماری اش و شــیمی درمانی توضیح داد. من در زمان شیردهی مبتلا شده. در حقیقت در زمان تسیوهی میترانسلیه در خصیت چدام هنگام شیر خوردن توده (الس کرد و پدمان گفت من عدم اگاهی سیستم پزشکی را در رایطه باخودم تجربه کردم در ایران هنوز خیلی از برشکان تفاوت ماموگرافی تشخیصی قردالگری را نمی کانند من خودم باشکایت توده در بسستان به پزشک مراجعه کردم اما به من گفتند که چون هنوز ۲۰ سالم تمام به من گفتند که چون هنوز ۲۰ سالم تمام به من گفتند دادرگافی اداری په س صحت به چون سور نشده، ماموگرافی برایم نمی نویستند چون خود ماموگرافی مضر است. امرار خودم باعث شد ماموگرافی آنجام دهم سرطان به شکل شد گسترده دربدنم پخش شده بود، ۱۰ سانتی متر از پوستم، ۲۷ غده لنفاوی، یکی از دنده هایم، ــتخوان ترقــوه و ماهیچه گردنم و ماه ری ر جودسیب مرصورستیک قفسهسینه ام آلوده بود. زمانی که ماموگرافی کردم بهمین گفتند که عکس مشکل دارد چون فکر نمی کردند کسی با این گستردگی سرطان داشته باشــد و هنوز زنده و در دی هم رسی به بیشته به چهار جراح مراجعه کردم و نفار آخر یک دکتر جوان در ســاری بود، او بعد از معاینه من و بــدون دیدن ماموگرافی گفت که بهصورت گسترده به سرطان مبتلا هستم به مورد که بیش از چهار ماه زنده بمانی. واحتمال ندارد که بیش از چهار ماه زنده بمانی. بعد از آن تصور کردم که در رینگ مبارزهام و با یک حریـف قدر تمند روبه رو هســتم. در ریت فدر تمند روبه روهستم در این مبارزه من خیلی ضعیت بودم یک چه ۸ساله و یک بچه شیر خواره داشتم و چارهای جزشناخت نقاط ضعف حریفمنداشتم. نقطه ضعف حد

جزشناخت نقاط ضعف حریفهزنداشته نقطه ضعف حریف م را با خوانسدن یک پاراگراف در یک مجله پیدا کردم این که می گویند آگاهی می تواند به بیمار کمک کند تاباییماری بجنگدهمین جاست آن بازاگراف باعث شد من به جای آماه زندگی کردن

١٧سالزندگي کنم: ۰ سارت می ۱۰۰۰ «دکتری در بیرمنگام طی ۱۰ سال تحقیق متوجه می شود کسانی که در مراحل پیشرفته سرطان قرار دارند اما امیدوار هستند که بهبود پیدا می کنند، در مان می شوند، اما کسانی که در مراحل اولیه بیماری هستند و قاعدتا باید رمان شونداما امید به درمان ندارند درمان عرص سوحه سید به عرص سرعه مرس نمی شوند. دلیل آن هورمونی به نام سروتونین در مغز اسـت، که هورمون نشاط است. آدم به هرُ شكلي كه تهييج شوداين هورمون ترشح می شدود اساس خندهدرمانی هم به خاطر همین هورمون است. در خندهدرمانی شما نیستید که می خندید بلکه این هورمون باعث خنده شــمامی شــود.این دکتر دلیل شفای سته سسه می سود. پی دعو مین سعنی پنجره طلای امام رضا(ع) را فهمید اما با یک توجیه علمی، در حـرم امام رضا(ع) شـما به قدری امیدوار هسـتید که امام رضا(ع) شما را صری میبور هستید به مصروطان شفا می دهد که ترشح سروتونین در بدن تان بالا می رود و زمانی که برمی گردید، می بینید سرطان[زبین رفته است.»

نُقطَهُ ضَعَفُ حريف من همين بود. من از اين نقطه ضعف كمال استفاده را كردم. اول را توضيح دادم به أنها گفتم من أن قدر قدرت دارم که می توانم با این بیمساری مقابله کنم. میخواستم برایشان الگو باشم، سنشان کم بودوفلسفه مرگرانمی فهمیدند.

دست وقاء می پرینادستند و به از بدخشی بلکه از روی داســوزی برای همسر من نظار زر جدیدا می گشتند با بعد از مرگ می نیتواند از بچههانگهــادی کند در عراســم خواسـتگاری های می کردند که در مراســم خواسـتگاری های مختلف همر اهمانی باشی تاخیرهم انتخاب کنید که بچههایم زیر دست چه کسی خواهند افتاد خوشبختانه همر امویل خواهند افتاد خوشبختانه همر امویل موسیت میسرمونی مانمیتین مطور بود. امامی توانید تصور کنید این رفتار خانوادهاش چه تأثیر مخربی بر من می گذاشت. همسرم مرا به هــر مرکزی که مربوط به ســرطان بود می برد، تمام کتابها را برایم می خرید زمانی که خانواده شوهرم مرا مجبور کردند که برای